

طراحی مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری

فاطمه آموسی،* صفر فضلی،** زهرا آراستی*** و سیدمجید الهی****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۲۷۲-۲۳۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

توسعه کارآفرینی سبز به عنوان یک انقلاب کارآفرینی نوظهور، عاملی مؤثر در جهت کاهش آلودگی محیط زیست و استفاده از کمترین امکانات اما بیشترین بهره‌وری در انجام امور مشاغل سبز است. لذا هدف این پژوهش، طراحی مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری است تا از این معضل زیست محیطی به عنوان منبع فرصت استفاده کرده و این خطر زیست محیطی و اجتماعی را به ارزش‌های اجتماعی و سود اقتصادی تبدیل کند. روش این پژوهش برحسب هدف بنیادی و گردآوری داده‌ها، کیفی- داده‌بنیاد (سیستماتیک) است. پس از انتخاب ۱۵ نفر از صاحبان کسب و کارهای مدیریت پسماند شهری، مدیران شهری و خبرگان این حوزه با روش نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه نیمه ساختار یافته، داده‌ها گردآوری شدند. سپس در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل و در نهایت ۱۱۷ گزاره مفهومی اولیه از کدگذاری باز، ۳۸ مقوله از کدگذاری محوری و ۱۶ عامل اصلی از کدگذاری انتخابی شناسایی شدند. نتایج تأکید می‌کنند مقوله محوری، توسعه کارآفرینی سبز است که با توجه به عوامل علی (مانند ویژگی‌های، فردی و شغلی)، عوامل زمینه‌ای (مانند عوامل نهادی، زیرساختی، محیطی، فناوری و نوآوری) و عوامل مداخله‌گر (مانند عوامل اقتصادی، سیاسی، قانونی و اجتماعی- فرهنگی و آموزشی) شکل گرفته است و با راهبردهای حمایتی، اصلاحی، اجرایی و ساختاری به سه دسته پیامد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی یا به عبارتی توسعه پایدار منجر می‌شود. این یافته‌ها به مدیران، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران حوزه مدیریت پسماند و توسعه کارآفرینی سبز در ایجاد ارزش (مزیت رقابتی و ثروت) و تحقق آینده‌ای پایدارتر کمک می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: توسعه کارآفرینی؛ کارآفرینی سبز؛ مدیریت پسماند شهری؛ توسعه پایدار؛ نظریه داده‌بنیاد

* دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛
Email: f_amousa@yahoo.com

** استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛
Email: fazli@soc.ikiu.ac.ir

*** دانشیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛
Email: arasti@ut.ac.ir

**** استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛
Email: elahi@ikiu.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5369.5126

مقدمه

طی دهه‌های اخیر روند فزاینده مشکلات زیست‌محیطی توجه جامعه بشری را بیشتر از قبل به مسئله حفاظت از محیط زیست جلب کرده است. همچنین تقاضای روزافزون ذی‌نفعان از شرکت‌ها برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، شرکت‌ها را به درگیر شدن در مسئولیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و به‌دست آوردن مقبولیت در بازارهای جهانی تشویق می‌کند (Bobkova et al., 2021: 3). از آنجاکه مسائل زیست‌محیطی یک بخش جدایی‌ناپذیر از مسئولیت‌های اجتماعی و عملکردهای اقتصادی کسب‌وکارها هستند، سیاستگذاران و مدیران شروع به درک اهمیت نوآوری سبز در جهت رسیدن به توسعه پایدار کرده‌اند. لذا شکل‌گیری و توسعه کارآفرینی سبز از مهم‌ترین اقدام‌های نوآورانه در این زمینه است که به‌عنوان انقلاب کارآفرینی نوظهور و جدید، عاملی مؤثر برای کاهش آلودگی محیط زیست و استفاده از کمترین امکانات اما بیشترین بهره‌وری است. کارآفرینی سبز در واقع حلقه ارتباط کارآفرینی و محیط زیست است (Sulej, 2021: 39). این نوع جدید از کارآفرینی به‌عنوان راهبردی اثربخش برای توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورها شناخته شده و توسعه آن می‌تواند تأثیر مهمی در اشتغالزایی پایدار و کاهش مشکلات زیست‌محیطی داشته باشد (رضایی، نادری و رستمی، ۱۳۹۹: ۱۸۵). همان‌طور که تجربه جهانی نشان می‌دهد، مبنای اساسی کارآفرینی سبز مسئولیت زیست‌محیطی است که باید در سطوح دولت، کسب‌وکارها و جامعه مورد توجه قرار گیرد و مأموریت آن بهبود محیط زیست براساس توسعه پایدار و به‌نفع نسل‌های آینده است (Bobkova et al., 2021: 12).

همچنین، توجه بیش از اندازه به مقوله اقتصادی کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه و غافل ماندن از ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی آن، در درازمدت به بروز مشکلاتی حاد منجر خواهد شد. یکی از مشکلات بزرگ زیست‌محیطی قرن حاضر، پسماندهای

شهری هستند. پسماندها نه تنها تغییر اقلیم ایجاد می کنند بلکه باعث حوادث شدید آب و هوایی، آلودگی هوا و سلامت تنفسی می شوند (Tesprasit et al., 2020: 36). با توسعه شهرها و افزایش جمعیت شهرنشین، مشکلات پسماند شهری در جهان تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۷۰ درصد رشد خواهد کرد (Kaza et al., 2018: 5). در کشور ایران با جمعیتی حدود ۸۰ میلیون نفر سالیانه بیش از ۱۸ میلیون تن و روزانه بالغ بر ۴۹ هزار تن زباله تولید می شود که حدود ۶۸ درصد از آنها دفن غیربهداشتی، ۱۰ درصد دفن بهداشتی و ۲۲ درصد نیز بازیافت می شوند، این در حالی است که ۹۰ درصد از مواد موجود در زباله ها قابل بازیافت است (امین صالحی، نوروز و رضاپور، ۱۳۹۷: ۱۲۹).

امروزه یکی از حوزه هایی که پتانسیل توسعه کارآفرینی خوبی در آن وجود دارد و از کارآفرینی سبز محسوب می شود، حوزه مدیریت پسماندهاست که توجه به آن در کاهش آسیب به محیط زیست، گسترش اقتصاد دایره ای و ترویج توسعه پایدار نیز کمک شایانی می کند (OECD, 2019). مدیریت پسماندهای شهری به عنوان یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار، شامل هشت مرحله اصلی بوده که جریان پسماند، جمع آوری و روش های پردازش و دفع پسماند را در تعامل با یکدیگر مدیریت می کند. مدیریت پایدار و جامع پسماند باید از لحاظ زیست محیطی مؤثر، از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه و از لحاظ اجتماعی مقبول باشد (منوری، ۱۳۹۹: ۶۶). پسماندها یکی از مواردی هستند که پتانسیل ایجاد فرصت های شغلی جدید دارند و مدیریت پسماندها به خصوص در کشورهای در حال توسعه، علاوه بر نقش مؤثر آن در حفظ محیط زیست و چرخه اقتصادی، به عنوان یکی از شاخص های مهم توسعه در سطح کلان مطرح است. برای کشور ما که یکی از مسائل و مشکلات موجود آمار بیکاری است، استفاده از این ماده می تواند به عنوان صنعتی استراتژیک تلقی شود. در واقع با ایجاد شغل از پسماند به کاهش آثار مخرب زیست محیطی کمک کرده و جزو

کارآفرینی و مشاغل سبز محسوب شده که از عوامل اساسی برای رسیدن به توسعه پایدار است.

بنابراین ایجاد آگاهی در میان کارآفرینان، تولیدکنندگان، مقامات محلی و غیره برای انجام اقدام‌های نوآورانه در حوزه پسماندها و تبدیل آن به ثروت امری ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی توجه به مقوله کارآفرینی در ایران، عمری کوتاه (کمی بیش از یک دهه) دارد. بدیهی است در این مدت کوتاه، ابزارها و سیاست‌های توسعه کارآفرینی سبز آن‌گونه که شایسته است فرصت بلوغ نیافته‌اند و محدود هستند. مطالعه‌های انجام گرفته در حوزه فوق در مراحل اولیه رشد خود در ادبیات دانشگاهی هستند (Sulej, Krzywonos and Kwil, 2021: 2) و تنها به حوزه‌های کشاورزی، روستایی و اکوتوریسم و در قالب مطالعه‌های موردی و منطقه‌ای معطوف بوده است. اما مسئله اصلی این است که به رغم مطالعات بسیار در خصوص اهمیت کارآفرینی در امر توسعه پایدار و محیط زیست، ماهیت و چگونگی کارکرد و عملکرد آن همچنان مبهم باقی مانده است (Mensah and Casadevall, 2019: 2). از سوی دیگر، برای توسعه کارآفرینی در زمینه‌های خاص فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و ... باید ابتدا شناختی از فرایندها و سازوکارها و عناصر آن انجام شود. همچنین آسیب‌های زیست‌محیطی و به تبع آن اجتماعی و اقتصادی که در حوزه پسماندهای شهری (به خصوص در کشور ما) به وجود آمده است و با توجه به شکافی که بین برنامه‌ها و اقدام‌های عملیاتی با مأموریت‌ها و چشم‌اندازها در حوزه کارآفرینی سبز وجود دارد، به نظر می‌رسد هنوز مدل و برنامه‌ای جامع و یکپارچه همراه با راهبردهای مؤثر در این زمینه طراحی و اجرا نشده است. با عنایت به موارد ذکر شده و نیز کمبود سوابق پژوهشی روشن و شفاف، فقدان آمارهای دقیق جهانی و ملی در این حوزه، سرمایه‌گذاری‌ها و تولید ناخالص ملی اندک در این خصوص، افزایش

سرانه نرخ بیکاری، رشد بی‌رویه جمعیت در شهرها و معضلات ناشی از حجم بالای پسماندهای شهری و وجود پتانسیل بالای نیروی کار و منابع در بخش فعالیت‌های زیست‌محیطی ما را بر آن داشت که در این پژوهش با درک مسائل یادشده، به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری برای رسیدن به مدلی جامع در این خصوص باشیم. این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ شناختی و ایجاد پیش‌آیندهای نظری برای توسعه این پدیده در کشور، به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که «مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری چگونه است؟». برای پاسخ به این سؤال، روش تحقیق کیفی به شیوه نظریه برخاسته از داده‌ها استفاده شده است؛ چراکه در این تحقیق به دنبال یک فراورده تکمیل شده و آماده نیستیم؛ بلکه به دنبال موجودیتی پیوسته و در حال تکوین هستیم. همچنین در پی قابلیت‌های تعمیم‌الگوها و مدل‌های از قبل طراحی شده توسعه کارآفرینی سبز به جامعه نیستیم، بلکه به دنبال درک این پدیده (توسعه کارآفرینی سبز) در یک حوزه خاص (مدیریت پسماندهای شهری) و به همان شکل موجود هستیم؛ از این رو از روش داده‌بنیاد استفاده کرده‌ایم تا ذهن خویش را روی هر نشانه‌ای که ممکن است در مجموعه داده‌های به دست آمده از جامعه وجود داشته باشد باز نگه داریم. در خصوص پژوهش درباره موضوع مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری؛ پنج بخش مبانی نظری مرتبط با توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها، مطالعات ناظر بر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌ها و مؤلفه‌های توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری برآمده از بطن پژوهش به همراه پیشنهادهای کاربردی ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، ظهور روزافزون مشکلات زیست‌محیطی باعث شده است که پایداری و مفاهیم مرتبط با آن مانند نوآوری سبز اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. شرکت‌هایی که از نوآوری بالا بهره می‌برند، می‌توانند از شرایط غیرقابل پیش‌بینی و تلاطم‌های بازار و نیازهای به‌سرعت در حال تغییر مشتریان خود بهتر و سریع‌تر مطلع شوند و راه‌حل‌های جدیدی برای مشکلات بازار و نیز نیازهای مشتریان و ذی‌نفعان ارائه کرده و دارایی‌های خود را بازسازی کنند. مفهوم نوآوری سبز را اولین بار فوسلر و جیمز^۱ (۱۹۹۶) مطرح کردند که با بهبود و نوآوری در فرایندهای تولید محصول، عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد (Muangmee et al., 2021: 2). نوآوری سبز مشارکت کسب‌وکارها در توسعه پایدار و درعین‌حال افزایش مزیت رقابتی است و به‌عنوان عنصر محوری کارآفرینی، می‌تواند در پاسخ به مشکلات و چالش‌های زیست‌محیطی مورد توجه قرار گیرد. درواقع نوآوری سبز یک دیدگاه، ایده، محصول، خدمت یا فرایند جدیدی در نظر گرفته می‌شود که به‌دنبال کاهش آثار منفی زیست‌محیطی است (Seman et al., 2012: 454) که زمینه‌ساز ایجاد کارآفرینی سبز است.

امروزه یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق توسعه پایدار، کارآفرینی سبز است که تأثیر بسیار کلیدی در توسعه اقتصادی و پایداری همه جوامع دارد. «کارآفرینی سبز»، نقطه تقاطع از کارآفرینی سنتی، اجتماعی و پایدار است (Vaidya and Honagannavar, 2017: 88). کارآفرینی سبز به‌عنوان فعالیت سودآور و نوآورانه در نظر گرفته می‌شود که به کاهش تأثیر انسان بر محیط زیست کمک می‌کند و تأثیر مثبتی بر جامعه، اقتصاد و محیط زیست دارد (Muo and Adebayo Azeez, 2019: 25). به‌طور کلی، تعاریف متعددی در زمینه کارآفرینی سبز ارائه شده است،

1. Fussler and James

کارآفرینی سبز یک مفهوم نسبتاً جدید بوده و از سال ۱۹۹۰ مورد توجه و رشد قرار گرفته است (OECD, 2011).

کارآفرینی سبز به عنوان یک روایت داستانی توصیف می‌شود که با آن کارآفرین از حمایت ذی‌نفعان برای پیگیری و رسیدن به منافع خود برخوردار می‌شود. این نوع کارآفرینی، شکلی نو از فعالیت کسب‌وکار است که با نیازهای شرکت برای سودآوری و توسعه با در نظر گرفتن ابعاد محیط زیستی تطابق دارد (Mou and Adebayo, 2019: 19). در واقع نوعی کسب‌وکار پایدار محور است که بیشتر متوجه بهبود کارایی محیط زیست و کاهش تخریب آن از طریق حفاظت از منابع انرژی، استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، کاهش آلودگی پسماندها، تلفات و کاهش نشر گازهای تخریب‌کننده جو زمین است. بنابراین هرگونه صنعت، خدمت یا کالایی که به‌خصوص در بلندمدت ارزش افزوده داشته و در راستای حفاظت از محیط زیست باشد می‌تواند از فعالیت کارآفرینی سبز به‌شمار آید (شریف‌زاده، عبدالله‌زاده و رهبری، ۱۳۹۸: ۲۰۴). کارآفرینی سبز با در نظر گرفتن منابع محیطی محدود به توسعه، بهبود و پایداری و کسب مزیت رقابتی قادر است.

مدیریت پسماند به‌عنوان یکی از دغدغه‌های مهم جوامع بشری بوده و از موضوع‌های مهم دیگر در امر توسعه پایدار محسوب می‌شود که به استفاده و بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری نیازمند است. معمولاً هزینه نوآوری در این حوزه بسیار سنگین است اما از آنجاکه ماهیت آن از جنس دانش است، با هزینه بسیار کم نشر خواهد یافت. لذا سرریزهای دانش باعث انتقال فناوری، کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری و ایجاد مزیت رقابتی می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۶). این نظریه را اولین بار آدرس و

لهمان^۱ در سال ۲۰۰۵ مطرح و پس از آن اکس و همکاران^۲ در سال ۲۰۰۹ وارد پیشینه کارآفرینی کردند. سرریز دانش نقش مهمی در ایجاد و توسعه کسب و کارها و استارت‌آپ‌های نوآور در حوزه محیط زیست دارد. تئوری سرریز دانش کارآفرینی نشان می‌دهد که کارآفرینان سبز از فرصت‌های زیست‌محیطی استفاده می‌کنند که از دانش جدید و ایده‌هایی به وجود می‌آیند که هنوز تجاری‌سازی نشده‌اند (Colombelli and Quatraro, 2019: 23). این نظریه، کارآفرینی را با ادبیات کارآفرینی پایدار ترکیب می‌کند و نتایج آن نشان می‌دهد که سهم دانش سبز تأثیر مثبت بیشتری از سهم دانش غیرسبز در امر توسعه کارآفرینی دارد (Demirel et al., 2019: 766). نتایج اغلب پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عموماً سرریزهای دانش در مرز جغرافیایی یک منطقه یا به عبارتی در جایی که دانش جدید خلق شده، محدود شده‌اند. بر این اساس سرریز دانش، جریانی خودبه‌خودی، فراگیر و جمعی است که بنگاه‌ها صرفاً به سبب حضور در منطقه از آن بهره‌مند می‌شوند (الهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۹).

توسعه کارآفرینی سبز نیز ضمن فراهم آوردن زمینه رشد و توسعه پایدار، مسائل و مشکلات جاری از جمله فقر، بیکاری، آلودگی‌های زیست‌محیطی و نابسامانی اجتماعی و فرهنگی را مرتفع خواهد کرد و تحت تأثیر عوامل مختلف فردی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و ... است (Alwakid, Aparicio and Urbano, 2021: 18; Mukonza Chipu, 2020: 14). همچنین افزایش سطح نوآوری و تسهیل سرریز دانش و به‌دنبال آن توسعه کارآفرینی به عوامل مختلف از جمله ساختارهای نهادی مناسب بستگی دارد. لذا در این امر شبکه‌ای از نهادها در بخش‌های خصوصی و دولتی مؤثرند که فعالیت‌ها و تعاملات آنها به ابتکار، اصلاح و انتشار دانش و فناوری‌های

1. Audretsch and Lehmann

2. Acs et al.

جدید منجر می‌شود (شاه‌آبادی و ساری گل، ۱۳۹۵: ۹۹).

یکی از مهم‌ترین تعاریف نهادها مربوط به نورث^۱ (۱۹۹۰) است که بیان می‌کند نهادها قوانین بازی در هر جامعه هستند یا به‌طور رسمی‌تر محدودیت‌هایی دارند که تقابل انسان‌ها را شکل می‌دهند. رویکرد نهادی بیانگر آن است که توسعه کارآفرینی، مستلزم کیفیت نهادی مطلوب بوده و تا اصلاحات لازم در نهادها انجام نشود، نمی‌تواند کارآفرینی که موتور توسعه است را تشویق و حمایت کند. در ادبیات نهادگرایی، نهادها در دو گروه رسمی (مانند قوانین رسمی، نظام اجرایی و قانونگذاری، نهادهای سیاسی و حقوقی و غیره) و غیررسمی (مانند قواعد غیررسمی، آداب و رسوم، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و غیره) طبقه‌بندی می‌شوند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت‌های کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار داده و می‌توانند هم نقش تسهیل‌کننده یا بازدارنده درخصوص توسعه کارآفرینی داشته باشند. ازجمله نهادهای رسمی که بر توسعه کارآفرینی سبز تأثیر می‌گذارد، قوانین و مقررات دولتی در حوزه محیط زیست (ازجمله مدیریت پسماندها) و سیاست‌های حمایتی ازجمله مشوق‌ها و یارانه‌های زیست‌محیطی و غیره است. نگرش اجتماعی و فرهنگی به موضوع‌های محیط زیستی، مشارکت‌های مردمی و ... در زمره نهادهای غیررسمی هستند. براساس تئوری نهادی، شرکت‌ها یا کسب‌وکارها تحت تأثیر فشارهای بیشتر ازسوی عوامل مختلف ازجمله نهادها، جهت کسب و حفظ مشروعیت بیشتر خود، اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی بیشتری را افشا می‌کنند که این سبب افزایش خلاقیت و نوآوری شده و اثربخشی و پاسخگویی شرکت‌ها را افزایش داده و سازمان را مملو از ارزش‌های جامعه می‌کند (Nikolaou, Tasopoulou and Tsagarakis, 2018: 126).

1. North

تئوری مشروعیت به‌عنوان ذیل نظریه نهادی پیشنهاد می‌کند که کارآفرینان باید در مورد نهادها و ساختارهای موجود در محدوده محیط عملیاتی خود دانش و آگاهی کامل داشته باشند. این کارآفرینان قبل از ارائه هر کالا یا خدماتی برای پذیرش مشروعیت عمومی، بتوانند این نهادها و ساختارها را شناسایی و درک کنند (Muo and Adebayo, 2019: 23). به‌عنوان مثال، خان^۱ (۲۰۱۵) استدلال می‌کند تا زمانی که تعادلی بین رشد اقتصادی برای انباشت ثروت و حفاظت از محیط زیست وجود نداشته باشد، هیچ نهادی نمی‌تواند مشروعیت کسب کند چه رسد به توسعه پایدار. دلیل این امر سبز شدن یک رویکرد مدیریت کارآفرینی مبتنی بر پایداری است که اشتباه‌های انجام شده توسط رویکرد مدیریت کارآفرینی سنتی در عملیات تجاری را اصلاح کرده است (Ibid.: 24). تئوری نهادی در توضیح اینکه چرا برخی شرکت‌ها در محیط نهادی یکسان تغییر را می‌پذیرند در حالی که سایرین تغییر را نمی‌پذیرند ضعیف است و این موضوع به ناهمگونی آن منجر می‌شود و از طرفی نقش مدیر را در فرایندهای مشروعیت نادیده می‌گیرد. همانند تئوری نهادی که بیشتر بر تأثیر عوامل خارجی بر اجرای شیوه‌های سبز در کسب‌وکارها متمرکز است و عوامل فردی و داخل سازمانی را آن‌گونه که باید در نظر نمی‌گیرد، تئوری‌های نوآوری و مشروعیت نیز همه متغیرهای مؤثر بر توسعه کارآفرینی را در نظر نمی‌گیرند. با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای در زمینه بررسی عوامل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری صورت نگرفته در ذیل به محدود مطالعات تا حدودی مرتبط اشاره شده است:

از بین پژوهش‌های داخلی می‌توان به مقاله شاهین فر و لاریجانی (۱۳۹۹) اشاره کرد. آنها با «تدوین راهبردهای توسعه کارآفرینی سبز در روستاهای اطراف دریاچه اوان شهرستان قزوین» به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به نتایج کیفی و

1. Khan

پایدار در زمینه کارآفرینی سبز باید در ابتدا، بانک جامع اطلاعاتی از ظرفیت‌های منطقه، نیروی انسانی، پتانسیل‌های اشتغال، وضعیت محیط زیست و تنوع زیستی، شرایط محیطی و مواردی از این دست استخراج شود. سپس با حمایت دولت و سرمایه‌گذاران برای ایجاد و راه‌اندازی زیرساخت‌های ابتدایی در منطقه گام برداشت و پس از آن با روش‌های مختلف از جمله جلب سرمایه‌گذار، جلب مشارکت جامعه محلی و آموزش در زمینه کارآفرینی سبز، فضایی را برای شروع استاندارد و نظام‌مند این نوع کارآفرینی بر پایه اصول صحیح علمی و عملی مهیا ساخت. نتایج پژوهش میوه‌چی و عدالتیان شهریار (۱۳۹۸) با عنوان «نقش کارآفرینی سبز بر عملکرد زیست‌محیطی (بر اساس مدل خودسازمان‌دهی)» نشان داده است؛ عوامل اساسی مدل خودسازمان‌دهی (به‌عنوان مدل پایه مفهومی برای مباحث کارآفرینی زیست‌محیطی) شامل نهادها و قوانین مرتبط، فناوری کارآمد و حامی محیط زیست، کارآفرینان زیست‌محیطی و بهبود عملکرد اقتصادی است. در پژوهش شریف‌زاده، عبدالله‌زاده و رهبری (۱۳۹۸)، هفت ملاحظه کلیدی شامل سازگاری با محیط زیست، امکان‌پذیری اقتصادی، فنی، تخصصی و زیرساخت‌های تخصصی در منطقه، امکان‌پذیری بازار، پذیرش اجتماعی، اشتغال‌پذیری و سرانجام تطابق با آمایش منطقه (ظرفیت‌ها و منابع طبیعی) به‌عنوان عوامل اصلی برای توسعه کسب‌وکارهای سبز شناخته شده‌اند. در خارج از کشور نیز پژوهش‌های متعددی در این خصوص انجام شده است. نتایج مطالعه ردی کومیثا و ردی کومیثا^۱ (۲۰۲۱) نشان داد که ایجاد عوامل انگیزشی مانند تشویق جوانان برای حل مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی و رفع کمبود استعدادها از طریق آموزش‌های دانشگاهی، برای ایجاد مدل‌های کسب‌وکار پایدار و

زیست‌محیطی مؤثر است. پوتلوری و فانی^۱ (۲۰۲۰) در مقاله خود به این نتیجه رسیدند که به‌رغم محدودیت‌های موجود همچون سرمایه‌گذاری اندک، حمایت و پشتیبانی ناچیز سیاستگذاران در کنار سیستم نظارتی غیرپاسخگو، موفقیت کارآفرینان سبز به ویژگی‌های شخصی و مکانیسم‌های ابتکاری آنان (مانند آرمان‌گرایی، نارضایتی از کارفرما / تجارت قبلی، تعهد نسبت به ایده تجارت سبز، پشتکار، محرک آگاهی برای مصرف‌کنندگان، مسئولیت یا پاسخگویی زیست‌محیطی و اجتماعی و ...) بستگی دارد. تسپراسیت و همکاران^۲ (۲۰۲۰) به این موضوع دست یافته‌اند که عواملی مانند: نگرانی‌های زیست‌محیطی، ویژگی‌های شخصی، آموزش محیط زیستی و عوامل محیطی روی افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی، تشخیص و شناسایی فرصت و نیز تأمین مالی خوب (به‌عنوان یک مزیت رقابتی) برای توسعه کارآفرینی سبز مؤثرند. میران و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که ایجاد تعادل بین رشد اقتصادی با پایداری زیست‌محیطی، یکی از محورهای اصلی کارآفرینی سبز است و عواملی مانند قابلیت جذب سبز، مشارکت زیست‌محیطی، نوآوری سبز، مدیریت و بهره‌برداری از فرصت‌های دوستدار محیط زیست، انگیزه‌گرایی به این نوع کارآفرینی و همچنین قوانین و مقررات زیست‌محیطی بر کارآفرینی سبز تأثیرگذار می‌باشند. نوردین و علی‌حسن^۴ (۲۰۱۹)، نیز در مطالعه‌ای شناسایی فرصت‌های کارآفرینی سبز، اجرای سیاست‌هایی مانند افزایش حمایت دولت و مردم، آموزش و استفاده از تکنولوژی‌های سبز، اصلاح قوانین و مقررات زیست‌محیطی و شرایط سیاسی و اقتصادی را عاملی مهم در توسعه کارآفرینی و کسب‌وکارهای سبز دانسته‌اند.

-
1. Potluri Seema and Phani
 2. Tesprasit et al.
 3. Meirun, Makhoulouf and Ghazali Hassan
 4. Nordin and Ali Hassan

همان طور که مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد نظریه‌های موجود و پژوهش‌های انجام شده تنها به جنبه‌های محدودی از پدیده توسعه کارآفرینی سبز پرداخته‌اند و مدل جامعی از توسعه کارآفرینی سبز خصوصاً در حوزه پسماندها دیده نمی‌شود. لذا در این پژوهش با تأکید بر نظریه‌های بیان شده در بالا مخصوصاً نظریه‌های نهادی و نوآوری سبز و با استفاده از رویکرد کیفی داده‌بنیاد، ابعاد مختلف فردی، سازمانی و محیطی پدیده کارآفرینی سبز را مدنظر قرار داده و به دنبال مدل جامع‌تری برای توسعه کارآفرینی سبز و به‌طور خاص در حوزه مدیریت پسماندها هستیم.

۲. روش‌شناسی

مطالب این پژوهش برحسب هدف، بنیادی و از نظر روش گردآوری اطلاعات، کیفی-داده‌بنیاد (سیستماتیک) است. برای تحلیل از روش استراوس و کوربین^۱ (۲۰۱۴) به دلیل تأکید بر دقت تاکتیکی کار، شفافیت فرایند مرحله کدگذاری و توزیع داده‌ها به خوشه‌های مقوله‌ای مشخص و قابلیت مقایسه کار در قالب مدلی مشخص از بین روش‌های داده‌بنیاد به کار گرفته شده است. زمانی که حتی در پیشینه پژوهش مدل‌هایی نیز ارائه شده باشد، ولی بر مبنای نمونه‌ها و حالت‌هایی غیر از جمعیت نمونه مدنظر پژوهشگر یا نظریه‌های موجود ناقص باشد از راهبرد نظریه داده‌بنیاد استفاده می‌شود (Creswell, 2007: 66). انتخاب این روش به دلیل استخراج رویکرد نظری جدید در این زمینه است، هرچند در خصوص توسعه کارآفرینی سبز نظریه‌ها و مدل‌های متعددی وجود دارد، اما به نظر می‌رسد با توجه به مسائل زیست‌محیطی کلان و عمده در کشور به‌خصوص در حوزه مدیریت پسماندها، به کارگیری این نظریه‌ها در جامعه آماری مورد نظر اغلب نتیجه مطلوبی نداشته‌اند. به همین دلیل

1. Strauss and Corbin

اتکا به رویکردی بومی، ضمن متفاوت بودن این پژوهش با کارهای مشابه انجام شده، می‌تواند به تدوین الگویی منجر شود که برخاسته از نظریه‌های فعالان، مدیران و خبرگان این حوزه است؛ زیرا از طریق رویکرد داده بنیاد، مطالعه و مشاهده زندگی واقعی افراد برای کشف آنچه وجود دارد و به آن اعتقاد دارند، محقق می‌شود.

جامعه آماری پژوهش، فعالان حوزه مدیریت پسماندهای شهری بودند و نمونه آماری به صورت هدفمند از افرادی که در زمینه موضوع مورد مطالعه تجربه داشتند، شامل پیمانکاران بخش خصوصی و نیز مدیران دولتی و خبرگان این حوزه انتخاب شدند. حجم نمونه با اشباع داده‌ها محدود شد که در مصاحبه سیزدهم حاصل شد، ولی برای اطمینان مصاحبه‌ها تا پانزدهمین مصاحبه ادامه یافت. سؤال‌های مصاحبه با استفاده از روش 5W1H طراحی شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری شدند. مصاحبه‌شوندگان شامل هشت نفر فعالان یا پیمانکاران بخش خصوصی، چهار نفر مدیران دولتی حوزه مدیریت پسماندهای شهری و سه نفر خبرگان دانشگاهی بودند. برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی و همچنین از نرم‌افزار تحلیل کیفی ATLAS.ti 9 استفاده شده است. ابتدا برای شناسایی مفاهیم از کدگذاری باز استفاده می‌شود که داده‌های اولیه ظهور پیدا می‌کند. کدگذاری باز، جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق، نام‌گذاری و طبقه‌بندی داده‌ها انجام می‌شود. در مرحله بعد یعنی کدگذاری محوری؛ داده‌ها به مقوله‌های مختلف تفکیک می‌یابد و سپس مقوله‌ها و زیرمقوله‌های آنها با توجه به مشخصه‌ها و ابعاد آنها به یکدیگر مرتبط می‌شود.

در این پژوهش، مقوله اصلی (توسعه کارآفرینی سبز) است که به عنوان محور فرایند در حال بررسی و اکتشاف قرار گرفت و سپس مقوله‌های دیگر به طور نظری به آن ارتباط داده شد. این مقوله‌ها عبارتند از: شرایط علی (علل شکل‌گیری پدیده

اصلی)؛ راهبردهای کنش یا کنش‌های متقابلی که برای کنترل، اداره، برخورد و پاسخ به پدیده اصلی انجام می‌شود و شرایط مداخله‌گر (شرایط ساختاری عام مؤثر در راهبردها)، شرایط زمینه‌ای (شرایط محیطی مؤثر بر راهبردها) و پیامدها (نتیجه به کار بستن راهبردها). در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله‌های به دست آمده از مراحل کدگذاری‌های باز و محوری به هم پیوند داده می‌شوند. کدگذاری انتخابی نتایج گام‌های قبلی کدگذاری‌ها را به کار می‌برد، مقوله اصلی را انتخاب کرده و به شکلی نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط می‌دهد و مدل نهایی پژوهش شکل می‌گیرد. برای اطمینان از روایی مصاحبه‌ها، اعتمادسازی در مصاحبه‌ها صورت گرفت، نتایج مصاحبه مجدداً با مصاحبه‌شوندگان مرور و سعی بر رعایت تنوع در انتخاب مصاحبه‌شوندگان شد، همچنین با تنظیم سؤال‌های مصاحبه بدون سوگیری و سعی با دخالت کمتر در صحبت‌های افراد، سوگیری در مصاحبه‌ها به حداقل کاهش یافت. برای افزایش پایایی نیز چند نفر یادداشت‌برداری مفصل و کدگذاری کردند.

۳. یافته‌ها

۳-۱. توصیف جمعیت شناختی

نمونه آماری مورد مطالعه را ۸۶/۶۷ درصد (۱۳ نفر) آقایان و ۱۳/۳۳ درصد (۲ نفر) خانم‌ها تشکیل می‌دادند که حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت در این حوزه داشتند. ۵۳/۳۳ درصد (۸ نفر) در رده سنی ۳۵ تا ۴۵ سال، ۳۳/۳۴ درصد (۵ نفر) در رده سنی ۴۶ تا ۵۵ سال و ۱۳/۳۳ درصد (۲ نفر) هم در رده سنی ۵۶ سال به بالا بوده‌اند. مدارک تحصیلی مصاحبه‌شوندگان شامل ۱۳/۳۳ درصد (۲ نفر) دیپلم، ۱۳/۳۳ درصد (۲ نفر) کارشناسی، ۳۳/۳۴ درصد (۵ نفر) کارشناسی ارشد و ۴۰ درصد (۶ نفر) دکتری می‌شد. همچنین در مورد سابقه کار ۶۰ درصد (۹ نفر) از افراد شرکت‌کننده

بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۲۶/۶۶ درصد (۴ نفر) ۲۱ تا ۳۰ سال و ۱۳/۳۴ درصد (۲ نفر) بالای ۳۰ سال سابقه کار داشته‌اند.

۳-۲. مقوله‌های پژوهش

در مرحله کدگذاری باز، ابتدا بیش از ۲۷۳ نقل قول یا کد و سپس در مرحله بعد ۱۱۷ مفاهیم متناظر استخراج شد. این مقوله‌ها ارتباط مفهومی با همدیگر دارند و به راحتی می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد. در ادامه فرایند کدگذاری از تعداد ۱۱۷ مفاهیم متناظر تعداد ۳۸ خرده مقوله استخراج شد که ارتباط مفهومی با همدیگر دارند. همچنین به دلیل نزدیکی معنایی بسیاری از خرده مقوله‌ها در مرحله کدگذاری محوری؛ ۳۸ خرده مقوله موجود به ۱۶ مقوله محوری تبدیل شد که در شش دسته ذیل ارائه شده است:

۳-۲-۱. مقوله‌ها یا شرایط علی

این مقوله‌ها رویدادهایی را دربرمی‌گیرد که به وقوع یا رشد و گسترش پدیده‌ای می‌انجامد (Strauss and Corbin, 2014). این مقوله‌ها شامل ۲۹ مفهوم، ۱۲ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی تحت عنوان ویژگی‌های شخصیتی، سرمایه‌های فردی و توانمندی‌های شغلی هستند که در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مقوله‌های علی

شرایط	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	ردیف
علی	ویژگی‌های شخصیتی	میل به پیشرفت	داشتن علاقه، اشتیاق و انگیزه شخصی به حل مسائل زیست‌محیطی	۱
			داشتن احساس خوب رضایت و عشق به کار و پشتکاری برای پیشرفت	۲
		ریسک‌پذیری	داشتن ریسک‌پذیری	۳
		مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی به تعهدات	حساسیت به پرسنل زیرمجموعه	۴
			داشتن مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و پاسخگویی به تعهدات	۵
			خلاقیت	خلاقیت و نوآوری در کسب‌وکار خود، استفاده از ایده‌ها و فناوری‌های پایدار و سبز و جدید
		تحمل ابهام	توانایی روبه‌رو شدن با شرایط غیرشفاف و سازمان نیافته	۷
	داشتن قدرت تشخیص سریع‌تر در شرایط مختلف محیطی و رویکرد پیشگیرانه		۸	
	عوامل فردی	الگوی نقش	استفاده از تجارب افراد موفق	۹
			علاقه و احترام به کار پیشکسوتان در این حوزه و اعتماد به آنها	۱۰
		منفعت‌طلبی	تجربه رویداد بی‌پولی و درآمد کم	۱۱
			تمایل به کسب سود اقتصادی و افزایش درآمدها	۱۲
		دانش	سطح علمی و علاقه به انجام کارهای علمی و تحقیقاتی یا داشتن روحیه علمی	۱۳
			شرکت در همایش‌ها و آموزش‌های تخصصی مرتبط داخلی و خارجی برای کسب دانش و آگاهی	۱۴
		نگرش	هوشیاری و استفاده از فرصت تحریم‌ها و شرایط اقتصادی بد	۱۵
			فرصت‌شناسی و داشتن هوشیاری کارآفرینانه	۱۶

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱۷	حس و مهارت مدیریت و برنامه‌ریزی داشتن	مهارت‌ها	عوامل فردی	علی
۱۸	مهارت مدیریتی و کارآفرینانه			
۱۹	تمایل به کار تیمی و مشارکتی			
۲۰	تمایل به انتقال دانش و تجربه و اهداف در این حوزه			
۲۱	ارتباط با دوستان و افراد مؤثر در این حوزه و روابط بین‌فردی خوب با آنها			
۲۲	داشتن مهارت‌های اجتماعی			
۲۳	توانایی استفاده از دانش و فناوری‌های به‌روز در این حوزه			
۲۴	تلاش برای هم‌راستا کردن فعالیت‌های خود با سیاست‌های موجود و توجه به منافع کشور			
۲۵	معرفی مناسب و صحیح کار خود به جامعه و مسئولان برای جذب حمایت دولتمردان و تغییر دیدگاه جامعه (کسب مشروعیت)			
۲۶	آشنایی با فرایند و بازار حوزه مدیریت پسماند و سایر مهارت‌های فنی			
۲۷	استفاده از تجارب شغل قبلی	زمینه‌های شغلی و تجربه کاری	توانمندی شغلی	
۲۸	برقراری ارتباط خوب با محیط خارجی و کارآفرینان خارجی			
۲۹	علاقه به تلاش برای ارتقای مداوم سطح کیفیت خدمات به‌منظور جلب رضایت ذی‌نفعان			

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۲-۲-۳. مقوله محوری یا پدیده اصلی

مقوله محوری که همواره در داده‌ها ظاهر می‌شود و تمام مقوله‌های اصلی دیگر به آن مرتبط هستند (Strauss and Corbin, 1990). در این پژوهش توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری به‌عنوان پدیده اصلی است.

۳-۲-۳. مقوله‌های زمینه‌ای

این مقوله نشانگر زنجیره‌ای از شرایط محیطی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش شامل ۱۹ مفهوم، ۷ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی است که عبارتند از: نهادهای رسمی و غیررسمی، زیرساخت‌ها، عوامل محیطی، فناوری‌ها و نوآوری. مفاهیم این مقوله در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲. مقوله‌های زمینه‌ای

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱	نبود چارچوب نهادی مناسب برای حمایت از حوزه مدیریت پسماندها	نهادهای رسمی	عوامل نهادی	زمینه‌ای
۲	نبود سازمان یا صنفی برای کسب‌وکارهای این حوزه (لزوم یک سازمان پاسخگو)			
۳	طولانی بودن مدت زمان اخذ مجوز به‌علت همخوانی نداشتن و موازی‌کاری و دخیل بودن چندین نهاد			
۴	حمایت دولت از طریق تأمین مکان سایت و بخشی از زیرساخت‌ها (حمایت‌های غیرمالی دولت)			
۵	نبود مشارکت مردمی مناسب در فرایندهای مدیریت پسماند به‌خصوص بخش تفکیک از مبدأ	نهادهای غیررسمی		
۶	نبود نگرش اجتماعی قوی در جامعه به حوزه مدیریت پسماند			
۷	عدم همکاری مفید با مراکز علمی و دانشگاهی در این خصوص			
۸	عدم توجه در مکان‌یابی سایت‌های پسماند	تجهیزات امکانات	زیرساخت‌ها	
۹	نیاز به سیستم مدیریت مناسب پسماند در کشور			
۱۰	زمان‌بر و هزینه‌بر بودن ایجاد زیرساخت‌ها و تجهیزات و ...			

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱۱	ناآشنایی با فناوری‌های جدید و پیشرفته	دسترسی به فناوری‌ها	فناوری و نوآوری	زمینه‌ای
۱۲	توجه کم به نوآوری			
۱۳	توجه کم به سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌ها و فناوری‌های سبز و بروز دنیا			
۱۴	پایین بودن سطح دانش فنی و تکنولوژی و فناوری‌های نوین و مناسب در حوزه مدیریت پسماندها در کشور ما			
۱۵	تأثیر بحران‌های مختلف مثل کرونا بر حوزه مدیریت پسماندها	بحران‌ها	عوامل محیطی	
۱۶	تغییر کمیت و کیفیت پسماندها با عوامل محیطی مانند موقعیت جغرافیایی	محیط ملی و منطقه‌ای		
۱۷	تغییر کمیت و کیفیت پسماندها با عوامل فرهنگی			
۱۸	تغییر کمیت و کیفیت پسماندها با شرایط اجتماعی			
۱۹	تغییر کمیت و کیفیت پسماندها با شرایط اقتصادی			

مأخذ: همان.

۴-۲-۳. مقوله‌های مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر که به شرایط میانجی یا واسطه‌ای نیز معروفند، کلی و عمومی هستند که راهبردها از آنها متأثر می‌شوند. در واقع آنها شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند. عوامل اقتصادی، سیاسی، قانونی، فرهنگ، آموزش و هنجارهای اجتماعی از مقوله‌های مداخله‌گر این پژوهش هستند که شامل ۳۲ مفهوم، ۱۱ مقوله فرعی و ۴ مقوله اصلی است و در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. مقوله‌های مداخله‌گر

شرایط	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	ردیف
مداخله‌گر	عوامل اقتصادی	شوک‌ها و مشکلات اقتصادی	وضعیت تحریم‌ها در جامعه	۱
			وجود تورم در اقتصاد	۲
			وضع اقتصادی موجود جامعه	۳
			سرمایه‌گذاری کم در حوزه مدیریت پسماند	۴
		مشکلات رقابتی	شرایط نابرابر رقابت در حوزه مدیریت پسماندها با سایر حوزه‌ها	۵
		وضعیت بازار محصولات	عدم یکپارچگی بازار	۶
			تخصصی بودن بازار هدف (اثر شناخت، تجربه و منطقه جغرافیایی و ... بر بازار این حوزه)	۷
		تأمین مالی	کمک در تأمین مالی از سوی شهرداری و فروش محصولات (کمپوست و بازیافت)	۸
			منبع همیشه در دسترس و تمام نشدنی ماده اولیه	۹
			جذب سریع‌تر و راحت‌تر بخشی از منابع مالی	۱۰
			وجود منابع مالی مخاطره‌پذیر	۱۱
	عوامل سیاسی	سیاست‌های نظارتی	نبود نظارت‌های مناسب در حوزه‌های اجرای مراحل مدیریت پسماند	۱۲
			تحت نظارت چندین نهاد دولتی بودن و وجود دستگاه‌های نظارتی متعدد در این حوزه	۱۳
			روابطی بودن انتخاب پیمانکاران	۱۴
		سیاست‌های تأمین مالی	عدم توجه به این حوزه در بودجه عمومی	۱۵
			عدم حمایت دولت برای ورود سرمایه‌گذاران به این حوزه	۱۶
		سیاست‌های حمایتی	ایجاد صندوق ملی محیط زیست	۱۷
			اجرای معافیت‌های مالیاتی در سال‌های اخیر	۱۸

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱۹	وجود قوانین و مقررات زیست‌محیطی	موانع قانونی	عوامل قانونی	مداخله‌گر
۲۰	شفاف نبودن برخی مواد قانونی			
۲۱	نبود ضمانت اجرایی قوانین			
۲۲	مشکل قانون کار برای کارکنان این حوزه			
۲۳	نقش ضعیف NGOها در این حوزه	شبکه‌های اجتماعی	عوامل اجتماعی، آموزشی و فرهنگی	
۲۴	نبود شبکه‌های سراسری و قوی در این حوزه			
۲۵	عدم تعامل مناسب با شبکه‌های موجود			
۲۶	نبود آموزش کافی در این حوزه در شرح وظایف پیمانکاران	آموزش‌های تخصصی و ترویج و فرهنگ‌سازی		
۲۷	پایین بودن سطح دانش و آگاهی در زمینه توسعه کارآفرینی سبز			
۲۸	امکان وجود دوره‌های آموزشی متنوع‌تر و تخصصی‌تر در حوزه مدیریت پسماندها			
۲۹	نقش پررنگ دولت در حوزه آموزش و فرهنگ‌سازی			
۳۰	عدم توجه کافی و لازم به فرهنگ و آموزش در حوزه مدیریت پسماندها			
۳۱	عدم اطلاع‌رسانی و تبلیغات مؤثر در این حوزه در جامعه			
۳۲	عدم تعامل سازنده و مؤثر بین نهادهای ذی‌ربط			

مأخذ: همان.

۵-۲-۳. مقوله‌های راهبردی

این مقوله‌ها، راهبردهایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده محوری ارائه می‌دهند. راهبردهای حمایتی، اصلاحی، اجرایی (عملکردی)، ساختاری، آموزشی و فرهنگی که شامل ۲۳ مفهوم، ۵ مقوله فرعی و ۵ مقوله اصلی می‌باشند از مقوله‌های راهبردهای این پژوهش هستند که در جدول شماره ۴ آورده شده‌اند.

جدول ۴. مقوله‌های راهبردی

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱	توجه بیشتر به بهره‌مندی از هر نوع بارانه و تسهیلات، معافیت‌ها و حمایت‌ها، بسته‌های تشویقی و ...	حمایت‌ها و مشوق‌ها و پیش‌برنده‌ها	راهبردهای حمایتی	راهبردها
۲	تشویق سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای سبز و استفاده از نوآوری‌های سبز در این حوزه			
۳	اصلاح قوانین و مقررات و استانداردهای زیست‌محیطی و مدیریت پسماندها	اصلاح قوانین و دستورالعمل‌ها	راهبردهای اصلاحی	
۴	اصلاح قوانین مالیاتی مرتبط با کسب‌وکارها و کارآفرینان سبز			
۵	تدوین دستورالعمل‌های نظارتی مناسب در این حوزه			
۶	تعیین شاخص‌ها و استانداردهای دقیق کسب‌وکارهای سبز			
۷	طراحی و توسعه سیستم کارآمد ارزیابی و مدیریت عملکرد کسب‌وکارهای فعال در این حوزه	فعالیت‌های اجرایی و عملکردی	راهبردهای اجرایی (عملکردی)	
۸	لزوم به‌کارگیری فناوری مناسب و نوین برای کاهش تخریب محیط زیست			
۹	واگذاری تمامی مسئولیت‌ها در سلسله‌مراتب حوزه مدیریت پسماندها به صاحبان این نوع کسب‌وکار			

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱۰	لزوم الگوبرداری و استفاده از تجربه کشورهای موفق در این حوزه	آموزش و فرهنگ‌سازی برای نهادهای کارآفرینی سبز	راهبردهای آموزشی و فرهنگ‌سازی	
۱۱	لزوم برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی و نوین در این حوزه			
۱۲	تدوین یک سند ملی برای ترویج و توسعه کارآفرینی سبز به‌خصوص در حوزه مدیریت پسماندها			
۱۳	ایجاد مراکز مشاوره و آموزش کارآفرینی سبز در راستای بهبود مهارت‌ها و شایستگی‌های فردی کارآفرینان			
۱۴	توجه پروژه‌های تحقیقاتی به شناسایی ظرفیت‌های موجود در حوزه مدیریت پسماندها			
۱۵	معرفی و تبلیغ رایگان دستاوردهای کسب‌وکارهای سبز در این حوزه در سطح جامعه			
۱۶	فراهم‌سازی فرصت‌های مناسب رسانه‌ای برای معرفی کارآفرینی سبز در حوزه‌های مختلف مخصوصاً حوزه مدیریت پسماندها			
۱۷	جلب همکاری دانشگاهیان و نخبگان جامعه برای بهره‌گیری پایدار از ظرفیتهای حوزه مدیریت پسماندها			
۱۸	معرفی ظرفیت‌های کارآفرینانه در حوزه مدیریت پسماند به دانشجویان و علاقه‌مندان و تشویق به راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه	طراحی مجدد فرایندها و ساختارها	راهبردهای ساختاری	
۱۹	لزوم تشکیل یک سازمان یا صنف متولی این امر در کشور			
۲۰	لزوم تدوین برنامه‌ها و سیاست‌ها و اهداف ویژه در این حوزه			
۲۱	لزوم ایجاد ارتباط و تعامل مناسب بین نهادهای مرتبط در این حوزه			
۲۲	لزوم پاسخگویی شفاف و تعامل سازنده با نهادهای نظارتی در این حوزه			
۲۳	لزوم استفاده از رویکردهای نوآورانه و دوستدار محیط‌زیست			

مأخذ: همان.

۶-۲-۳. مقوله‌های پیامدی

مقوله‌های پیامدی، نتیجه و حاصل راهبردها در مقابله با پدیده یا برای اداره و کنترل پدیده است. این مقوله‌ها شامل ۱۴ مفهوم، ۳ مقوله فرعی و ۱ مقوله اصلی به نام توسعه پایدار هستند که در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. مقوله‌های پیامدی

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	شرایط
۱	ارزش‌آفرینی برای جامعه	منفعت‌های اجتماعی	توسعه پایدار	پیامدها
۲	داشتن منفعت ملی (ایمنی، بهداشت، اجتماعی و ...)			
۳	افزایش آگاهی جامعه با مفاهیم کارآفرینی سبز و مدیریت پسماند			
۴	ارتقای سطح و کیفیت زندگی			
۵	توسعه مشارکت نهادهای مدنی			
۶	ایجاد نگرش خوب در ذی‌نفعان کلیدی و افکار عمومی جامعه (دستیابی به مزیت رقابتی)			
۷	ایجاد کار شایسته	منفعت‌های اقتصادی		
۸	سود اقتصادی قابل قبول			
۹	کمک به رشد اقتصادی پایدار			
۱۰	گسترش اقتصاد دایره‌ای			
۱۱	کمک به کاهش هزینه‌های دولت			
۱۲	کمک به اصلاح الگوی مصرف و تولید پایدار	منفعت‌های زیست‌محیطی		
۱۳	جلوگیری از آلودگی محیط زیست و کمک به حفظ و بهبود کارایی محیط زیست			
۱۴	کاهش آلودگی‌ها و بیماری‌های ناشی از عدم مدیریت بهینه پسماندها			

مأخذ: همان.

۳-۳. کدگذاری انتخابی

کدگذاری باز و محوری به پیدایش مجموعه‌ای از مقولات می‌انجامد و با پیوند دادن مقولات به یکدیگر کدگذاری انتخابی گویند که نتایج گام‌های قبلی کدگذاری را به کار می‌برد و مقوله اصلی را انتخاب می‌کند و به‌شکلی نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط می‌دهد و برخی مقوله‌ها را پالایش و توسعه می‌دهد (Strauss and Corbin, 2014). با ترکیب ۱۶ مقوله اصلی پژوهش، مقوله هسته نهایی در مرحله کدگذاری انتخابی به دست آمد که با توجه به توضیحات فوق می‌تواند همه مباحث فعالان بخش خصوصی، مدیران دولتی و خبرگان دانشگاهی در حوزه کارآفرینی محیط زیست و مدیریت پسماند را تحت پوشش قرار دهد و جنبه تحلیلی نیز داشته باشد. براساس مقوله هسته نهایی که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقولات عمده ارائه شده است، جامعه آماری این پژوهش (افراد مصاحبه‌شونده)، در تجارب خود شرایط علی، بستر و پیامدهای توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری را تجربه، درک یا تصور می‌کنند. از آنجاکه این افراد، کارگزاران و مجریان برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان مدیریت کارآفرینی و فرهنگ زیست‌محیطی کشور هستند و در موارد متعدد خود در مسائل مدیریتی و اجرای استراتژیک سهیم بوده‌اند، از کارآمدی و اثرگذاری عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها تشخیص دقیقی دارند. حال در این پژوهش باید مقوله‌ها را بهم مرتبط ساخت و نظام نظری ویژه‌ای را ارائه داد.

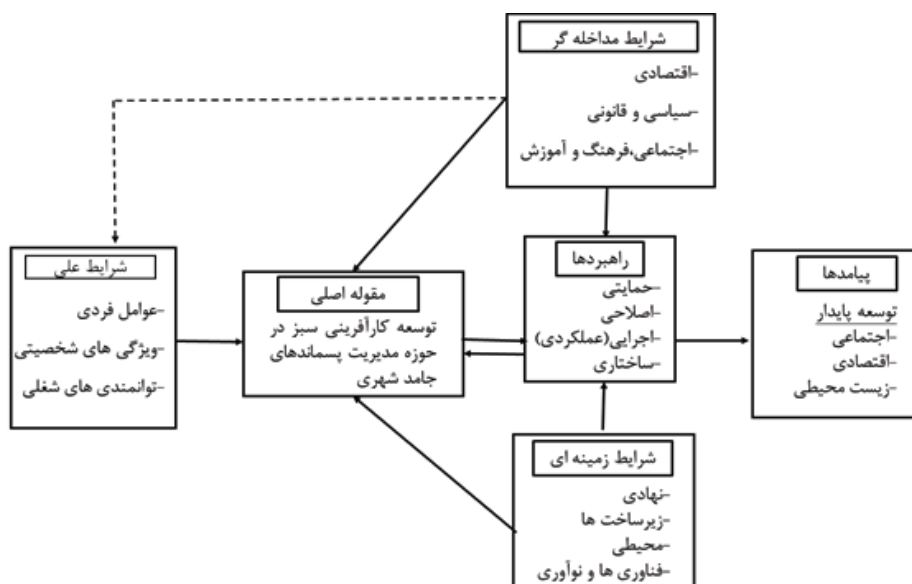
مقوله‌هایی که نتیجه کدگذاری انتخابی مربوط به پدیده توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری است عبارتند از: «ویژگی‌های شخصیتی، سرمایه‌های فردی و توانمندی‌های شغلی از جمله عوامل علی مؤثر و ضروری برای توسعه کارآفرینی سبز در زمینه مدیریت پسماندهای شهری می‌باشند. در تحلیل این مدل باید گفت شرایط مداخله‌گری نیز وجود دارد که می‌تواند در

توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری هم تأثیر شتاب‌دهنده یا تسهیل‌کننده و هم بازدارنده داشته باشد. این شرایط مداخله‌گر اثری چندسویه در مدل دارد و هم‌زمان بر پدیده مرکزی و بر راهبردهای موجود در مدل اثر مستقیم و بر شرایط علی به صورت غیرمستقیم اثر دارند. حمایت‌ها و مشوق‌ها، اصلاح قوانین و دستورالعمل‌ها، فعالیت‌های اجرایی و عملکردی، طراحی مجدد فرایندها و ساختارها، آموزش و فرهنگ‌سازی از جمله راهبردهای مؤثر برای نهادینه کردن کارآفرینی سبز در این حوزه است که با شرایط مداخله‌گری مانند عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی-قانونی، اجتماعی-فرهنگی و آموزشی، فرایند توسعه کارآفرینی سبز را تسهیل و تسریع می‌کنند. زمینه‌های انجام دادن این مهم با توجه به عواملی مانند نهادهای رسمی و غیررسمی، زیرساخت‌ها، بحران‌ها و عوامل محیطی، فناوری‌های نوین و نوآوری‌ها در این حوزه فراهم است که به اجرای راهبردها نیز کمک شایانی می‌کنند. یک رابطه دوسویه در مدل وجود دارد و آن هم اثر راهبردها به طور هم‌زمان بر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها و بر پیامدهاست. منافع اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، پیامدهای توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری محسوب می‌شوند و همه ذیل پیامد اصلی و مهم توسعه پایدار قرار می‌گیرند.»

مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری در شکل ۱ ارائه شده است. برای اعتبار بخشیدن به ارتباطات بین مقوله‌ها و داده‌ها، یادداشت‌ها و کدگذاری‌ها بررسی شد و پس از مقایسه، اطمینان حاصل شد که طرح نظری، موارد مشاهده شده را تبیین می‌کند. برای افزایش اعتبار، مدل در اختیار خبرگان قرار گرفت که علاوه بر کارآفرینی و مدیریت پسماند با روش نظریه داده‌بنیاد نیز آشنا بودند و از آنان خواسته شد در مورد فرایند تدوین الگو و مدل

نهایی نظر دهند. بیشتر آنها مدل را تأیید کردند و برخی نیز نظر اصلاحی داشتند که در فرایند رفت و برگشتی، اصلاحات اعمال و نظر نهایی لحاظ شد.

شکل ۱. مدل توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

محیط زیست در کشورهای توسعه یافته نه یک مسئله فردی، بلکه خواست همگانی است که سهم آیندگان نیز در آن ادا می‌شود. اما در همه کشورها اوضاع به یک شکل نیست و امروزه بسیاری از کشورهای جهان با مسائل زیست‌محیطی مختلف دست‌وپنجه نرم می‌کنند. شاخص‌های جهانی وضعیت محیط زیست و نمونه عینی آن در زندگی مردم ایران نشان می‌دهد که محیط زیست کشور وضعیت مطلوبی ندارد. همچنین تحولات زیست‌محیطی در سطح بین‌المللی از یک سو و

گسترش فرایندهای تخریب محیط زیست در کشور ما به مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه باعث شده موضوع حفاظت از محیط زیست بیش از گذشته در کانون توجه سیاستگذاران و تصمیم‌گیران کشور قرار گیرد. از جمله مسائل زیست‌محیطی مهم در جهان و از جمله کشور ما مسئله پسماندهاست که فرصت‌های کسب‌وکار فراوانی در دل آن نهفته است. به بیان دیگر، کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندها از طریق توسعه کسب‌وکار، ایجاد اشتغال، بهبود سطح رفاه اجتماعی و حفظ محیط زیست می‌تواند نقش در خور توجهی در توسعه همه‌جانبه کشورها ایفا کند. نتایج این پژوهش که به منظور طراحی مدلی برای توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد تدوین شده، اهمیت و ارزش علمی بالایی دارد و نشان می‌دهد توسعه کارآفرینی در این حوزه، متأثر از عوامل گوناگونی است که مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بر اساس مدل به دست آمده در این پژوهش، ویژگی‌های شخصیتی، عوامل فردی و توانمندی‌های شغلی از جمله عوامل ضروری بوده که اوضاع مساعدی را برای ورود کارآفرینان به حوزه‌های محیط زیستی از جمله مدیریت پسماندها فراهم می‌کنند. به عبارت دیگر، شرایط علی عواملی هستند که بر مقوله محوری اثرگذار است؛ شروطی لازم ولی ناکافی که برای دستیابی به پیامدهای حاصل از به‌کارگیری راهبردهاست؛ به گونه‌ای که وجود هر یک از موارد ذکر شده می‌تواند محرک فرد در ایجاد کسب‌وکارهای سبز شود.

شایان ذکر است از آنجاکه بسیاری از ویژگی‌های بیان شده علاوه بر جنبه ذاتی، جنبه اکتسابی نیز دارد، تمامی افراد با تقویت این ویژگی‌ها مانند اشتیاق و انگیزه برای حل مسائل و مشکلات زیست‌محیطی، می‌توانند با نگرشی دقیق به‌طور مؤثرتر و هوشیارانه به شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار در این حوزه که هنوز تجاری‌سازی

نشده‌اند اقدام کرده و با کسب دانش و مهارت‌های فردی در این خصوص به نوآوری، نشر و انتقال فناوری، کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و ایجاد مزیت رقابتی کمک کنند و در مسیر ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای سبز گام بردارند. در این پژوهش ضمن تأیید مطالعات الوکید و همکاران (۲۰۲۱)، یواروا و همکاران (۲۰۲۱)، میران و همکاران (۲۰۲۰) و تسپراسیت و همکاران (۲۰۲۰) که تنها ویژگی‌های شخصیتی نظیر استقلال‌طلبی، خوش‌بینی، خلاقیت، خودباوری و ... را در ایجاد تمایل برای راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای سبز مؤثر می‌دانند، به نقش مؤثر عوامل فردی مانند دانش، نگرش و مهارت‌های مختلف مدیریتی، اجتماعی، تخصصی و توانمندی‌های شغلی در انتقال دانش و نوآوری تأکید ویژه داشته که در نظریه سرریز دانش به آنها اشاره شده است.

در پژوهش‌های گذشته مفاهیمی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای مدل توسعه کارآفرینی سبز به این جامعیت مورد بررسی قرار نگرفته (کمتر به آن پرداخته شده) است. شرایط زمینه‌ای شامل عوامل نهادی، محیطی، زیرساخت‌ها، فناوری و نوآوری‌هاست. به‌بیان‌دیگر، طبق مدل تا زمینه وجود نداشته باشد، راهبردها آن‌طور که باید و شاید به نتیجه نمی‌رسند؛ یعنی در شرایط زمینه‌ای مناسب همچون وجود زیرساخت‌ها و بسترهای خوب کارآفرینی، محیط مطلوب برای کسب‌وکار، حمایت‌ها و پشتیبانی‌های دولتی و عمومی، محیط نهادی مناسب و ...، فعالیت‌های کارآفرینانه به‌طور مؤثرتری امکان پذیرند و در صورت وقوع، احتمال دستیابی به موفقیت تا حد چشمگیری افزایش می‌یابد. نتایج این بخش با نتایج مطالعات یواروا و همکاران (۲۰۲۱)، وفالوکید (۲۰۲۱)، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۱ (۲۰۱۹)، شاهین‌فر و لاریجانی (۱۳۹۹)، میوه‌چی و عدالتیان شهریاری (۱۳۹۸) هم‌راستاست که به

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

عوامل نهادی، محیطی و فرهنگی - اجتماعی اشاره کرده‌اند. طبق نظریه نهادی، محیط نهادی کشورها عامل مهمی در توسعه کارآفرینی است.

بررسی مفاهیم و مؤلفه‌های شرایط زمینه‌ای در این پژوهش نشان می‌دهد که در سایه وجود چارچوب نهادی و سازمان یا سیستم پاسخگوی مناسب، نگرش و مشارکت‌های بالا و تأمین امکانات و زیرساخت‌های مطلوب در حوزه مدیریت صحیح پسماندها، توجه و سرمایه‌گذاری‌ها برای جذب و توسعه فناوری‌ها و دانش فنی در این حوزه افزایش می‌یابد. در پژوهش‌های پیشین تنها به نقش نهادهای رسمی پرداخته شده در حالی که در پژوهش حاضر علاوه بر نهادهای رسمی به نهادهای غیررسمی (مانند مشارکت‌های مردمی مناسب، نگرش اجتماعی قوی در جامعه و همکاری با نهادهای مرتبط و ...) که از تنوع، پیچیدگی و ماندگاری بیشتری نسبت به نهادهای رسمی برخوردارند نیز در کنار سایر عوامل زمینه‌ای مانند مقوله‌های محیطی، زیرساختی و فناوری توجه ویژه‌ای شده است.

عوامل مداخله‌گر بخش دیگری از مدل پژوهش هستند که در راستای تسهیل یا محدودیت تأثیر شرایط علی بر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری عمل می‌کنند و در واقع شرایطی عمومی هستند که راهبردها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مقوله‌های اقتصادی (مانند سوددهی و رشد اقتصادی، مشکلات رقابتی، بازار محصولات و ...) با نتایج پژوهش‌های پوتلوری و فانی (۲۰۲۰)، مویاکمنت^۱ و همکاران (۲۰۲۰) و شاهین‌فر و لاریجانی (۱۳۹۹) همخوانی دارند. در پژوهش‌های هوآنگ تین^۲ و همکاران (۲۰۲۰) و میران و همکاران (۲۰۲۰) به مقوله‌های سیاسی و قانونی از جمله (سیاست‌های نظارتی، مالی، حمایتی و موانع قانونی) توجه شده است. همچنین مقوله‌های اجتماعی - فرهنگی و آموزشی (مانند آموزش‌های تخصصی،

1. Moya-Clemente

2. Hoang Tien

ترویج فرهنگ‌سازی، توسعه شبکه‌های اجتماعی، تعامل و دسترسی با هم‌صنفان، منابع اطلاعاتی و ...، که با پژوهش‌های موکونزا چیپو (۲۰۲۰)، یواروا و همکاران (۲۰۲۱) و شریف‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت دارند، از جمله عوامل مداخله‌گر هستند. به‌طور کلی کارآفرینی و توسعه آن ریشه در عوامل فرهنگی و اجتماعی دارد و نتیجه آن در رشد اقتصادی منعکس می‌شود. بنابراین باید عوامل ذکر شده در این پژوهش متناظر با شرایط و فرهنگ و رسوم هر ملت تهیه و تدوین شود. مؤلفه‌های قانونی باید به کارآفرینان، مصرف‌کنندگان و صاحبان کسب‌وکارها برای رسیدن به سطح رشد اقتصادی پایدار اعتماد به نفس لازم را دهد. دولت نیز به دلیل نقش اصلی که در مدیریت کشور به عهده دارد، می‌تواند از طریق حمایت‌های مختلف از جمله آموزش، مالی و ... کارآفرینی را در جامعه نهادینه کند، چراکه این کار سبب افزایش انگیزه و اشتیاق افراد به کارآفرینی می‌شود. در این پژوهش به تأثیر شرایط مداخله‌گر بر شرایط علی نیز پرداخته شده که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره نشده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند وضعیت اقتصادی جامعه، شرایط بازار، برخی سیاست‌های تشویقی مالیاتی و ... به تمایل و انگیزه در کارآفرینان برای کسب سود در حوزه مدیریت پسماندها منجر شده، بنابراین کارآفرینان سبز با درک و شناخت دقیق از شرایط حاکم بر جامعه، می‌توانند در جهت هم‌راستا کردن فعالیت‌های خود با شرایط سیاسی و اقتصادی موجود گام بردارند که این امر به توسعه کارآفرینی سبز می‌انجامد.

در مدل فوق راهبردها، کنش‌ها یا برهم کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر قرار دارند و راهبردهای حمایتی (مشوق‌ها و پیش‌برنده‌ها)، اصلاحی (اصلاح قوانین و دستورالعمل‌ها)، اجرایی (فعالیت‌های اجرایی و عملکردی)، آموزشی - فرهنگی و ساختاری (طراحی مجدد فرایندها و ساختارها) را شامل می‌شوند. بنابراین افراد،

گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع گوناگون هر یک به سهم خود با اتخاذ این راهبردها می‌توانند در مسیر توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری ایران گامی مؤثر بردارند. به بیان دیگر، توسعه کارآفرینی سبز در حوزه فوق از مسیر راهبردها می‌تواند به پیامدهای ارزشمند متعددی منجر شود که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. مقوله‌های راهبردی اعلام شده به صورت موردی و کلی با نتایج پژوهش‌های ردی کومیثا (۲۰۲۱)، وفالوکید (۲۰۲۱)، چیپو (۲۰۲۰)، هوآنگ تین و همکاران (۲۰۲۰)، نوردین و علی حسن (۲۰۱۹) مشابهت دارد. در پژوهش حاضر، علاوه بر اینکه به راهبردهای مختلف و جامعی اشاره شده آنها به طور مشخص نام‌گذاری و گروه‌بندی نیز شده‌اند. در حالی که در پژوهش‌های پیشین تنها به ارائه چند راهبرد کلی بسنده شده است. همچنین در این پژوهش به تأثیر دوگانه راهبردها (هم بر پدیده اصلی و هم پیامدها) اشاره شده است.

پیامدهای توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری که شامل ابعاد توسعه پایدار یعنی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است، آخرین بخش از مدل پژوهش است که نشان‌دهنده نتایجی است که در اثر راهبردها پدیدار می‌شوند؛ یعنی اتخاذ راهبردهای بیان شده در زمینه توسعه کارآفرینی سبز در این حوزه می‌تواند موجب رشد اقتصادی، ایجاد آثار مثبت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی، دستیابی به مزیت رقابتی و نیز حفاظت از محیط زیست کشور یا به عبارتی نیل به توسعه پایدار شود. نتایج این بخش با نتایج مطالعات وفالوکید (۲۰۲۱) و هوآنگ تین و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد. در بخش منفعت‌های اجتماعی به دنبال افزایش دانش و آگاهی جامعه با مفاهیم کارآفرینی سبز و مدیریت صحیح پسماندها، ارزش‌آفرینی برای جامعه و دستیابی به مزیت رقابتی از طریق ایجاد نگرش خوب در ذی‌نفعان کلیدی و افکار عمومی جامعه هستیم. در بخش آثار یا پیامدهای

اقتصادی می‌توان به کمک برای رشد اقتصادی پایدار و گسترش اقتصاد دایره‌ای و ایجاد و توسعه کار شایسته اشاره کرد. در بخش مزایای زیست‌محیطی هم به مواردی مانند کمک به اصلاح الگوی مصرف و تولید پایدار و نیز کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی توجه ویژه‌ای شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات انجام شده به توصیف کلی پدیده کارآفرینی سبز پرداخته و صرفاً یک یا چند بعد از ابعاد مورد بررسی در این پژوهش را مدنظر قرار داده‌اند. حال آنکه این مطالعه به صورت گسترده همه عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی سبز در حوزه مدیریت پسماندهای شهری را به طور شفاف بیان کرده و با نگرش جامعی که به مسئله توسعه کارآفرینی سبز با توجه به اقتضانات بومی ایران و براساس موقعیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی کشور داشته بسیار حائز اهمیت است.

مشارکت این تحقیق با توجه به نوپا بودن نظریه نوآوری سبز در کارآفرینی قابل توجه است و با ارتباط دادن آن با نظریه‌هایی مانند سرریز دانش و استفاده آن در این حوزه به گسترش دانش در این خصوص کمک کرده است. همچنین نظریه نهادی و ذیل آن نظریه مشروعیت با اینکه در حوزه کارآفرینی سال‌هاست استفاده شده ولی کاربرد این نظریه‌ها در حوزه کارآفرینی سبز جدید است و با توجه به یافته‌های تحقیق در قسمت‌های مختلف خصوصاً در بخش نهادهای غیررسمی مشارکت قابل توجهی در این نظریه داشته است.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدودیت‌های روش تحقیق کیفی، جامعه و نمونه تحقیق خصوصاً در شرایط گسترش ویروس کووید ۱۹ در سطح کشور اشاره کرد که شرایط و تعداد مصاحبه‌های حضوری را با محدودیتی جدی مواجه ساخت. مطالعات آتی می‌تواند در نمونه‌ای وسیع‌تر و با تحقیق کمی در

جامعه‌ای گسترده و در حوزه‌های مختلف کارآفرینی سبز انجام شود. همچنین کاربرد مدل مستخرج از این تحقیق و بررسی نتایج آن در حوزه‌های مختلف کارآفرینی سبز یکی دیگر از مسیرهای پژوهشی پیش رو باشد.

براساس یافته‌های این پژوهش در جهت برنامه‌ریزی و سیاستگذاری توسعه کارآفرینی سبز می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

با توجه به نقش مؤثر عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر در توسعه کارآفرینی سبز پیشنهاد می‌شود دولت و سیاستگذاران به‌جای ورود و دخالت مستقیم از طریق تأسیس صندوق حمایتی یا اعطای تسهیلات بدون سیاستگذاری، به انجام اصلاحات نهادی اقدام کنند. همچنین با ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه متغیرهای فرهنگی و نهادهای غیررسمی و نیز شرایط محیطی و مداخله‌گر مطلوب، اعتماد متقابل به‌وجود آمده و انگیزه سرمایه‌گذاری در حوزه کارآفرینی سبز را تقویت می‌کند. از طریق بازنگری در قوانین و استانداردهای موجود، قوانین مالیاتی، قواعد کار و ... می‌توان در راستای تحقق اهداف کسب‌وکارهای سبز گامی مؤثر برداشت.

با توجه به نقش نگرش و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در پیدایش این نوع فعالیت‌های کارآفرینانه، برگزاری جشنواره‌های کارآفرینان برتر سبز، انتخاب کارآفرینان برتر ملی از میان کارآفرینان زیست‌محیطی و اجتماعی و معرفی آنان در رسانه‌های جمعی می‌تواند موجبات تقویت فرهنگ کارآفرینی سبز را فراهم کند. از طرفی، معرفی فرصت‌های کسب‌وکار در عرصه‌های زیست‌محیطی با برگزاری دوره‌های آموزشی و حمایت از افرادی که دغدغه فعالیت‌های زیست‌محیطی را دارند، می‌تواند در پیدایش فعالیت‌های کارآفرینانه سبز اثرگذار باشد. مدیران باید فرصت‌ها، مشکلات، موانع و پتانسیل‌های موجود در حوزه مدیریت پسماندها را شناسایی و از فرصت‌های جدید بهره‌برداری کنند و در راستای اجرای راهبردها و پیامدهای آن کمک گیرند. جهت

تقویت شرایط علی در حوزه توسعه کارآفرینی سبز در ایران پیشنهاد می‌شود تا نسبت به آگاه‌سازی افراد در جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینی و ارائه مشوق‌های اقتصادی برای افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه اقدام‌های لازم انجام پذیرد. از جمله پیشنهاد‌های کاربردی دیگر می‌توان به توسعه مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌های زیست‌محیطی در ایران برای گسترش نوآوری و کارآفرینی سبز؛ ایجاد مدل‌های مالی برای تأمین مالی کارآفرینان سبز در ایران همچون سایر کشورها؛ هم‌راستایی و انسجام نهادهای مختلف برای کاهش و رفع مشکلات زیست‌محیطی از جمله پسماندها و تدوین یک سند ملی برای ترویج و توسعه کارآفرینی سبز به‌خصوص در حوزه مدیریت پسماندها اشاره کرد.

منابع و مآخذ

۱. الهی، صفورا، سعید شوال پور، ناصر باقری مقدم و رضا نقی زاده (۱۳۹۹). «تحلیل سازوکارهای سرریز محلی دانش و بررسی پویایی آنها از منظر جغرافیای اقتصادی تکاملی (مورد مطالعه: خوشه تجهیزات نفت، گاز و پتروشیمی خوزستان)»، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، دوره هشتم، ش ۳.
 ۲. امین صالحی، فرنناز، عارف نوروز و کامبیز رضاپور (۱۳۹۷). «اولویت بندی فناوری های تبدیل پسماند شهری به سوخت زیستی در ایران»، فصلنامه پژوهش های سیاستگذاری و برنامه ریزی انرژی، سال چهارم، ش ۱۳.
 ۳. رشیدی، ورا (۱۳۹۶). «مروری بر مفهوم نظریه سرریز دانش کارآفرینی و اثرات آن بر کارآفرینی»، کنفرانس پارادایم های نوین مدیریت و علوم رفتاری، تهران، <https://civilica.com/doc/743108>
 ۴. رضایی، بیژن، نادر نادری و سحر رستمی (۱۳۹۹). «طراحی مدل توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه)»، فصلنامه محیط زیست و توسعه پایدار، دوره ۹، ش ۱.
 ۵. شاه آبادی، ابوالفضل و سارا ساری گل (۱۳۹۵). «اثر حکمرانی و حقوق مالکیت فکری بر سرریز دانش در کشورهای در حال توسعه منتخب»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۲۰(۷۸).
 ۶. شاهین فر، شیما و مریم لاریجانی (۱۳۹۹). «تدوین راهبردهای توسعه کارآفرینی سبز در روستاهای اطراف دریاچه اوان شهرستان قزوین»، دهمین همایش سراسری محیط زیست انرژی و منابع طبیعی پایدار، تهران.
 ۷. شریف زاده، محمد شریف، غلامحسین عبدالزاده و محمد رهبری (۱۳۹۸). «شناسایی و اولویت بندی زمینه های توسعه کسب و کارهای سبز در استان گلستان»، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۱۲، ش ۲.
 ۸. منوری، مسعود (۱۳۹۹). *استراتژی های مدیریت پسماند شهری*، چاپ سوم، تهران، نشر تالاب.
 ۹. میوه چی، لیلا و جمشید عدالتیان شهریار (۱۳۹۸). «نقش کارآفرینی سبز بر عملکرد زیست محیطی (براساس مدل خودسازمان دهی)»، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال سوم، ش ۲۵.
10. Acs, Z.J., D.B. Audretsch, P. Braunerhjelm and B. Carlsson (2009). "The Knowledge Spillover Theory of Entrepreneurship", *Small Business Economics*, 32(1).

11. Alwakid, W., S. Aparicio and D. Urbano (2021). "The Influence of Green Entrepreneurship on Sustainable Development in Saudi Arabia: The Role of Formal Institutions", *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18, 5433.
12. Audretsch, D.B. and E.E. Lehmann (2005). "Does the Knowledge Spillover Theory of Entrepreneurship Hold for Regions?", *Research Policy*, 34(8).
13. Bobkova, A., N. Andryeyeva, L. Verbivska, V. Kozlovtseva and Viktoriia Velychko (2021). "Environmental Responsibility in the Development of Green Entrepreneurship", *Estudios de Economia Aplicada*, Vol. 38-4 // ISSN: 1133-3197.
14. Colombelli, A. and F. Quatraro (2019) "Green start-ups and Local Knowledge Spillovers from Clean and Dirty Technologies", *Small Bus Econ*, 52.
15. Creswell, J.W. (2007). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches* (2nd ed.), Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
16. Demirel, P., Q.C. Li, F. Rentocchini and J.P. Tamvada (2019). "Born to be Green: New Insights into the Economics and Management of Green Entrepreneurship", *Small Business Economics*, 52.
17. Emerson, W.M. et al. (2011). "Stakeholder Theory: Issues to Resolve", *Management Decision*, Vol. 49, Iss. 2.
18. Hoang Tien, N., N. Quang Dai and K. To Thi (2020). "Green Entrepreneurship Understanding in Vietnam", *International Journal of Entrepreneurship*, Vol. 24, Issue: two.
19. Kaza, S., L. Yao, P. Bhada and F. Van Woerden (2018). "What a Waste 2.0, A Global Snapshot of Solid Waste Management to 2050", International Bank for Reconstruction and Development / the World Bank Group.
20. Khan, M. (2015). "Green Human Resource Management – A Prerequisite for Sustainable Environment", *Progress in Science and Engineering Research Journal*, 18(3).
21. Meirun, T., L. Makhlof and M. Ghazali Hassan (2020). "Environmental Outcomes of Green Entrepreneurship Harmonization", *Sustainability* , 12, 10615; doi: 10.3390/su122410615.
22. Mensah, J. and S. Ricart Casadevall (2019). "Sustainable Development: Meaning, History, Principles, Pillars, and Implications for Human Action: Literature Review", *Cogent Social Sciences*, 5, Article ID: 1653531. <https://doi.org/10.1080/23311886.2019.1653531>.
23. Moya-Clemente, I., G. Ribes-Giner and O. Pantoja-Díaz (2020). "Identifying Environmental and Economic Development Factors in Sustainable Entrepreneurship

- Over Time by Partial Least Squares (PLS)”, *PLOS ONE*, 15, <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0238462>.
24. Muangmee, Ch., Z. Dacko-Pikiewicz, N. Meekaewkunchorn, N. Kassakorn and B. Khalid (2021). “Green Entrepreneurial Orientation and Green Innovation in Small and Medium-Sized Enterprises (SMEs)”, *Social Sciences*, 10, <https://doi.org/10.3390/socsci10040136>.
25. Mukonza, Chipo (2020). “Analysis of Factors Influencing Green Entrepreneurship in South Africa”, UNU -INRA Working Paper, No. 20.
26. Muo, Ik and A. Adebayo Azeez (2019). “Green Entrepreneurship: Literature Review and Agenda for Future Research”, *International Journal of Entrepreneurial Knowledge*, Vol. 7.
27. Nikolaou, E., K. Tasopoulou and K. Tsagarakis (2018). “A Typology of Green Entrepreneurs Based on Institutional and Resource-based Views”, *The Journal of Entrepreneurship*, 27(1).
28. Nordin, R. and R. Ali Hassan (2019). “The Role of Opportunities for Green Entrepreneurship Towards Investigating the Practice of Green Entrepreneurship among SMEs in Malaysia”, *Review of Integrative Business and Economics Research*, Vol. 8, Supplementary Issue 1.
29. North, D.C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge University Press.
30. OECD (2011). *Sustainable Manufacturing and Eco-innovation: Framework, Practices*, U.S: OECD.
31. OECD (2019). *Waste Management and the Circular Economy in Selected OECD Countries: Evidence from Environmental Performance Reviews*, OECD Environmental Performance Reviews, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/9789264309395-en>.
32. Potluri, Seema and B.V. Phani (2020). “Incentivizing Green Entrepreneurship: A Proposed Policy Prescription (A Study of Entrepreneurial Insights From An Emerging Economy Perspective)”, *Journal of Cleaner Production*, 259 (120843).
33. Reddy Kummitha, H. and R.K. Reddy Kummitha (2021). “Sustainable Entrepreneurship Training: A Study of Motivational Factors”, *The International Journal of Management Education*, No. 19.
34. Seman, N., N. Zakuan, A. Jusoh, M. Arif and M. Saman (2012). “The Relationship of Green Supply Chain Management and Green Innovation Concept”, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 57.
35. Strauss, A. and J. Corbin (2014). “Basics of Qualitative Research: Techniques and

- Procedures for Developing Grounded Theory”, Sage Publications.
36. _____ (1990). “Basics of Qualitative Research”, Sage Publications.
37. Sulej, K.P., M. Krzywonos and I. Kwil (2021). “Environmental Entrepreneurship Bibliometric and Contentanalysis of the Subject Literature Based on H-Core”, *Journal of Cleaner Production*, Vol. 295.
38. Uvarova, I., I. Mavlutova and D. Atstaja (2021). “Development of the Green Entrepreneurial Mindset Through Modern Entrepreneurship Education”, IOP Conf. Series: Earth and Environmental Science 628 (2021) 012034.
39. Tesprasit, K., P. Aksharanandana and A. Kanchanavibhu (2020). “Building Green Entrepreneurship: A Journey of Environmental Awareness to Green Entrepreneurs in Thailand”, *Journal of Information Technology Applications and Management*, Vol. 27, No. 5.
40. Vaidya, P.N. and D.V. Honagannavar (2017). “Green Entrepreneurship Towards Sustainable Environment”, *International Journal of Commerce and Management* 3(1).